زهرا کریمی / قومیت : لر /ترم : 8 ارتباطات اجتماعی

کریمی رشته تاریخ کامل تولد شروع کنم بعد به دانشجویی برسیم بعد سوال خودم مطرح کنم غذایی که توش بزرگ شدی را برام توصیفش کنید بازی‌های که جایی که بودیم یکم می‌تونی بهم توضیح بدی که چه شکلی بوده خب من الان که بچه روستام بچه شهر نیستم بعد خب طبیعتاً از لحاظ بازی کردن ما همیشه توی در حیاتمون بودیم با بچه‌ها بازی می‌کردیم دختر پسر قاطی بازی میکردیم معمولا تا یه سن که وارد دوره راهنمایی شدیم بعد طبیعت بودیم کلا نمیدونم خیلی خاکی بود همه چیز خیلی فرق داشت توی تهران هستم الان چیز خاصی مد نظرتون هست که توضیح بدم یا نه نمیدونم ارتباط با بچه‌ها بازی‌هایی که انجام می‌دادید بازی‌هایی که انجام می‌دادیم چیز خیلی خاصی که بگم برای بومی محلی خودمون بود که نبود همین وسطی بازی می‌کردیم خاله بازی می‌کردیم موشک بازی می‌کردیم همینا بود یا وقتی بالاتر رفت حالا دخترانه تعریف می‌کردیم که تایم خیلی زیادی رو تعریف کردن در واقع تربیت نقش محوری رو کی داشت پدر یا مادرت و اینکه یا مثلا با هم مشارکت داشتند و ارتباط با پدر به صورت کلی چه جوری بود هر دوشون مشارکت داشتن یعنی من یک سری خسیسه‌های اخلاقی شبیه مامانمه یه سری خواسته‌هام شبیه پدرمه توی ارتباط با پدر فوق العاده من کلاً با خانواده‌ام خیلی رفیقم همین الانشم هر کاری بکنم حتی به اشتباه تلفنی بهشون میگم من چنین کاری کردم فلان جا رفتم این اتفاق برای من افتاده الان می‌خوام برم فلان جا شما در جریان این مسئله باشید و اونا کاملا آدم محدود بکنن پدرم که همیشه همراهه که برو بگرد همه چیو تجربه کن حتی استفاده باید چه ویژگی‌ها مهارت‌هایی داشته باشه از جانب یک دانشجو باید حرف زد یا یک استادی که داره چیز میکنه از هر منظری که خودت دوست داری می‌تونی نگاه کنی من می‌خوام یک ایده‌آل‌هایی علوم اجتماعی خیلی خیلی خیلی زیاد می‌بینیم بچه‌ها وقتی وارد دانشگاه میشن سریع یه حالت افسردگی بهشون درس میده یه تغییر سریع و دلیل حالا غذا وجود داره توی حالا رفتار گفتار یا اصلاً زده میشن دیگه ما نمی‌خوایم باشیم فکر نمی‌کردیم همچین چیزی باشه من اولین چیزی که برام به نظرم به عنوان یک دانشجو مهمه اینه که طرف علاقه داشته باشه به رشته‌ای که داره میخونه که این علاقه باعث میشه سختی ها رو تحمل بکنه تا بتونه به اون ایده آل خودش برسه این مهم‌ترین نکته‌ست یعنی خیلی از جاها بچه‌ها اومدن من خیلی از همکلاس های خودم وسط کار کردن و رفتند چرا چون محیط دانشگاه رو مخصوصاً علوم اجتماعی را نمی پسندیدن اون چیزی که فکر می‌کردم و به دست نیاوردم فکر می‌کردن اینجا دیگه خیلی غوغا کردن و انقدر تلاشی نباید انجام بدن دیدن نه اینطوری نیست به نظرم اول باید اون تلاشه باشه تو خشکارم پشت سرش بیاد و سخت کوش باشه طرف یعنی اینجا قرار نیست براش خیلی کارا اتفاق بیفته خیلی چیزا باشه همه چیز خودش باید پیگیری بکنه این پیگیریه رو باید خودش داشته باشه برای اینکه بتونه به اون هدف برسه به نظر چه مهارت‌هایی داشته باشه کارش آسونتره بستگی به رشته‌اش داره ولی خوب لزوما ببین از قبل لازم نیست مهارت خیلی خاصی داشته باشه این چیزا در طول دوره دانشجویی تجربه میشن من خودم الان به شخصه اینطوری بودم که اومدم حالا رشته من روزنامه نگاری من آموزش دیدم حتی به اون چیزی که تدریس میشه تفاوت تجربه کنی اون چیزی که اینجا مهارت اضافه بر اون یاد می‌گیره و دنیا این کارو باید تجربه کنیم چیزی که اینجا یاد بگیری که این کامل باشه که بره باهاش کار کنی وجود نداره چون چیزی که تدریس میشه با دنیای کار خیلی متفاوت باید در کنارش کاربرد رشتم دقیقا همینطوره یه چیزی خیلی سخته بین دانشجو بودن اینکه درس بخونی کار کنی هندل کردنش من خودم به عنوان کسی که چند سال همین کار که فقط درس برام مهم بود و کار نکردم الان که کار اشتباهی کردم درسته سخته هندل کردنش ولی کم کم یاد می‌گیرید که با همدیگه مچ بکنید و این دوتا در کنار هم واقعا زندگی آدمو هدفدارتر می‌کنه دانشجویی که من چون خوابگاهی هستم مثلاً تجربه بچه‌ها میگم کار نمیکنه فقط میخواد درس بخونن همشم اینه که انداخته که چیکار کنه بریم بیرون بگردیم و اینها یکم اتفاقاً این زودتر افسرده انگار میشه این زودتر کنده میشه ولی کسی که کار میکنه سختی های زندگی توی تهران همین مسیر زیاد برای رفت و آمد خودش برای ادب کردن همه بسته بهتر میتونه زندگیشون هندل بکنه و تازه بفهمه داره چیکار میکنه من خبر ندارم قبلا فولاد بان بودم الان البته کار دورکاره این حضوری خبرنگار فولاد بان بودن میدونی چطوریه یا نه این ترکیبی کلا زبان لری حالت لهجه میگن زبان نیست شبیه به فارسی هست زبان دیگه خیلی از بین زبان‌های مختلف لری شبیه به فارسیه خب اوکی بودم توی خانواده‌ام همون طوری صحبت می‌کنم هم زبان لری هم فارسی رو هندل می‌کنن بعد چون خیلی لهجه خاصی نداریم لهجه زیاد ندارن ولی وقتی اومدم دانشگاه من با یک گروه دیگه از لرهای بختیاری و یاسوجی آشنا شدند زبان اونا منو بلدم یعنی انقدر دوست داشتم که گویش‌های دیگه دنیا آشنا بشم حتی ازشون نخواستم تو به من یاد بدن همین که با همدیگه مکالمه می‌کردن یاد گرفتند با زبان اونجا ازدواج کرده بود با اونا زبانشون آشنایی دارن چون اینا خیلی تفاوت دارند یاس هیچ وقت بختیاری بله زبان بختیاری یاس شبیه به جنوب هست خب ولی ملایر میکشه نهاوند و خرم شبیه به همه یعنی من این‌ها رو بهتر می‌فهمیدم تا یاسوجی ولی الان که دیگه یاد گرفتم فرقی برام نمیکنه چقدر هم عالی توی این ویژگی‌هایی که بهم گفتید علاقمند باشه به رشته‌اش پیگیری داشته باشه همزمان کار بکنه به نظرت دیگه چه توانمندی‌هایی باید داشته باشه دانشجو که بشه دانشجو ایده‌ها یکم متفاوت باشه چیزی به ذهن میرسه به نظرت همین سه تا ویژگی سماجا باید داشته باشه یعنی این سه موج توی نظر استادان به نظرم میاد اینکه مثلا تو قراره یک مقاله‌ای رو با یه استاد بنویسی پیگیر باید باشی استاد نمیاد دنبال تو باید انقدر پیگیر باشی تا کارا رو انجام بدی خیلی سختی هستی نه من اتفاقاً می‌خوام که همینطور باشه یعنی این چیزیه که استادم حتی میخواد پیگیر کارات باشی به نظر من اگر میخوای به واقعا به اون چیزی که میخوای برسی حالا اگه بخوای شل بگیری همین یعنی فکر می‌کنم اگر ایده آل را از جانب یک دانشجو بخوام نگاه کنم که انتظار داره وقتی از شهرستان میاد به تهران حالا تهرانیا رو نمیدونم باید خودش بگیره تا شبکه ارتباطی چی به نظرت مهمه خیلی خیلی خیلی مهمه یعنی دانشگاه دانشگاه جایی نیست که تو بیای سکوت کنی منفعل باشی با کسی ارتباط می‌گیری هر کس از آدمای اینجا می‌تونه با تورو با یک عالم از دنیای دیگه‌ای وصل بکنه اینکه حالا چه به لحاظ ارتباطی چه کاری همه اینا کمک میکنه نیاز به کمک هر زمینه‌ای می‌بینی خب دوستت یه آشنای دیگه داره تو با اون دوستی همه اینا اوکی میشه بعد نه تنها تو دانشکده ما خودمون لورای شبکه ارتباطی الان بین خودمون داریم اینطوریه که حالا لرهای مختلف یه اکیپ تشکیل دادیم اول اکیپ زدیم مثلاً گروه زدیم از دانشکده های مختلف دانشگاه پزشکی دانشکده مدیریت الان هی ارتباطاتمونو داریم هی گسترده‌تر می‌کنیم با همدیگه و به تب با استادهای لر هم داریم ارتباط قاسمی هستش این ارتباطات خودش به نظرم خیلی مفیده از لحاظ علوم شمارش بخوایم بررسی بکنیم چون من اینو خیلی توی بعضی از بچه‌ها دیدم که ما قومیتمون اینجا نیست من که خودم داشتم ولی قومیت تو هست بچه‌های همتراز خودت هستن هم فرهنگ خودت اینجا هستن ولی یه جاهایی هم کمکت می‌کنه یه جاهای کمی ولی اونه که میاد به دادت میرسه به نظرم برای ما که اینطوریه یعنی بچه های ما واقعا دلسوزن توی هر جایی که به مشکل می‌خوردیم همین آقایی که الان داشتن صدا می‌کردن وقتی به مشکل می‌خوردیم می‌رفتیم مثلاً کمک می‌کردیم همدیگه رو اینجوری حالا از یک تا ۱۰ خودتو به این دانشجویی که برای من توصیف کردی چقدر تاثیر داره اون دانش بستگی داره چه سالی از این هشت ترم در نظر از ۸ ۴۸ چون خیلی جا داشت که خیلی کارهای دیگه بکنم ولی خب باز یک سری محدودیت ها جلو پامون اومد یا خودم شاید تنبلی کردم خیلی کارا رو نکرد همین کار الان من دارم کاره رو هندل میکنم ولی اگر قبلاً این کارو رو شروع کرده بودم الان خیلی کارام راه افتاده بود یعنی الان نمی‌خواستم دنبال خیلی چیزهای دیگه باشم به نظر خودم یا ارتباط گیریم سال اولی که اومدم خیلی کمتر بود دو سه سال خیلی بیشتر شد اگر ارتباط گیری از اول بود به نظرم خیلی بهتر چه مانع ارتباط خودم خودم زیاد نمیخواستم ارتباط بگیرم ولی کم کم فهمیدم که اشتباه می‌کنم باید ارتباط چون نمی‌دونم من دوران دبیرستانم سوال های تحصیلی که گذروندم همه سال فوق العاده بود به جز سال تحصیلی دبیرستانم که من یه مدرسه نمونه فوق العاده سخت گیر بودم و رقابت شدید شدید درسی اونجا بود یعنی به شکلی بود که مدیر میومد می‌گفت زنگ تفری نرید بشینید دوتا تست بزنید در این حد سخت و این فشار روانی خیلی زیادی به من وارد کرد و منو نسبت به بچه هاش حتی به من نمیخورن باهاشون بهتره که سکوت کنم این سکوت رو اومدم به دانشگاه منتقل کنم ولی نشد دوباره ارتباط معرفی کنی هویت قومی دانشجویی فردی شخصی به ترتیب اگر بخواهی بگی کدوم اولویت برای شخصی شروع میکنم بستگی داره قبل از اینکه وارد این دانشگاه علوم اجتماعی بشم شاید اینجوری نبودم که بیام قومیت را بیان بکنم ولی وقتی وارد این دانشگاه شدم قومیتم برام مهم شده یعنی اینو حتماً بیان می‌کنم و اصلاً توی دانشگاه توی خواب بود خیلی ما بحث می‌کنیم قومیت‌های مختلف توی اتاق هستیم سر قومیت‌هامون خیلی بحث می‌کنیم افتخارمه نه

اینکه اینجا مهم‌تر شده می‌خوام بدونم که چه دلیلی داشته مثلاً چون فاصله داشتی می‌خوام دلیلشو برام یه کوچولو با جزئیات بیشترش از یک سری قومیت خوشم نمیاد نمیتونم حالا بگم ولی شما قومیت ولی خوب این باعث میشه خب یه اصالتی بالاخره داریم و این باعث شده که بیشتر قومیت خودمون درسته بعد چه در واقع ویژگی‌های توشون هست که فکر می‌کنی نمی‌تونی باهاشون ارتباط بگیری خون گرمتری هستیم و نمی‌دونم یه ویژگی‌هایی دارن که من بیان نمی‌کنم واقعاً ولی خب من باهاشون زندگی کردم استثنا نمیگم همشون چون الانم من با یکی هستم که فوق العاده دختر خانم خوبیه ولی در کل باهاشون حال نمی‌کنم قومیت باعث شده که کیفیت ارتباط و میزان ارتباط اجتماعی تو دانشگاه بیشتر بشه با قومیت‌های با هم قومیت‌های خودم آره ولی با قومیت‌های دیگه چی آره مثلاً کردا همه فوق العاده باهاشون خیلی بچه‌های شمال خیلی جذب شمال دارم چه خوابگاه چه اینجا ولی فاصله کنی که چرا نمی‌تونی باهاشون ارتباط بگیری می‌دونم واقعاً ببینید ذهنیت بدی که از اولی که وارد این دانشگاه شدم این بود که هم اتاقیام چند تاشون بودن ترکی صحبت کردن که تو نفهمی و مثل این ویژگی رو دوست ندارم حتی خودمونم لورا جمع می‌شیم اصلاً می‌بینم یک نفری هست که نمی‌فهمه بارها بهشون میگن فارسی صحبت کنه چون اصلاً این اذیت کننده است برای طرف مقابلت و کاملا میفهمه که انگار قطعاً دارن پشت سر تو صحبت میکنن اینجوری ویژگی‌هایی دارن یا همون ارتباط نگرفتن ما فرهنگ تعارف کردن خیلی زیاده. دانشجوهای تهرانی و لری که حالا می‌شناختیم از روزهای اولی که اومدی چه تفاوت‌هایی احساس تهرانیا با بچه‌های ارتباطشون با هم نه تفاوت فرهنگی ظاهری اجتماعی بچه‌های لری که دیدم خیلی پشت همین تهرانی خیلی مطرح طلب اند یعنی حتی نزدیک خودمان که میشن فقط اگر کاری داشته باشن میان قربون صدقه آدم میرن و اینطوری که آقا فقط کارم راه بیفته فردا به تو دیگه سلام نمیده اینجوری اند ولی ما اینجوری نیستیم این ویژگی خیلی خیلی خوبه یعنی مثلاً کسی مریض میشد بخاطر اینکه هم قومیت خودمونه کلاً ذات اینا می‌طلبیم جوشیدنه را ولی تهرانی همچین چیزی رو نداشتند که مثلاً خیلی مد نظرم بود که چرا اینا اینجورین یا سعی می‌کردن که بین شهر خود بمونن تهرانی‌ها رو جذب بکنن سمت شهرستانیا نرن و این بچه‌های همه شهرستان‌ها رو اذیت میکرد توی ورودی ما که اینطوری بود خیلی بد جذبشون کردن و اتفاقاً این خیلی باعث منزوی شدن خیلی از بچه‌های همکلاسی من شد از هر قومیتی که بودن از بچه‌های شمالی بچه‌های ترک دیدم که خیلی منزوی شدن چون از جانب تهرانیا پذیرفته نشدن یعنی فقط سعی می‌کردم با تهرانیا ارتباط بگیرم سعی نمی‌کردم ولی سعی میکردن با اونا هم ارتباط از لحاظ درس خوندن امکانات طبقه اقتصادی اینا تفاوت بین خودتون با بچه تهرانی خودتون که منظورم بچه‌هایی هستند غیر بومی بودند نه فقط از لحاظ این فرهنگ غیر تهرانی بودن روزهای اول که اومدیم مشکلی ناملایمتی تجربه بدی برات داشت احساس کنید که توی پذیرفته نمیشیم پشت چیزی میگن نمی‌پذیرن هیچ وقت توی محیط دانشکده حالا به غیر از خودت مال جاهای دیگه بودند که بشنوی از چیزی دارن گله می‌کنند یا احساس می‌کنند که مثلاً یه استادی یه دانشجویی یه تیکه‌ای چیزی انداخته که ناراحتشون کنه در رابطه با قومیتشون من خودم بخوام بگم چند بار یه دونه از استادامونو چند بار اینو گفته که مثلاً لرها مگه فلان می‌شن مثلاً معلومه که زاویه داره ولی نه خیلی نشنیدم ولی تیکه‌ها بوده مگه چی میشه کامل یادم بیاد چی بوده بحث سر این بود که هر قومیتی یک نسبتی با خارج از ایران داره مثلا کردهای کردستان عراق هستند ترکیه هستند اینا اینا تنها قومیتی که این دوران که نیستن همشون گفتم بله ما اسارتمون فقط ایرانیه منم اینجوری باعث میشه که بیشتر فرهنگمون بالا ببینم میدونی چون اصرار کنم که خوب چرا باید با قومیت من همچین چیزی گفته بشه منم نیستم پیش اومده که بخوای لهجتو تغییر بدی یا مثلاً جایی اینکه دور هستی و اوایل همیشه با تلفن توی خیابون میریم هرجا تفریح میریم لری مشکلی هم برات به وجود نمی‌شه برات اتفاقاً به نظرم یکی از مزیت‌های تهران اینه که هر کسی میتونه قومیت خودشو داشته باشه راحت ابرازش از موقعی که وارد دانشگاه شدیم می‌خوام یه مقایسه‌ای صحرای زهرای ترم ۸ توی عادات شخصیت و رفتار چه تغییراتی به وجود خیلی محکم‌تر شده اون زهرا چون که با یک سری آدم‌ها سر و کله زده که خیلی سرسخت بودند و این سرسختی را اتفاقاً از همون اونا یاد گرفتن یاد گرفته که مثل خودشون برخورد بکنه تا آسیب نبینه در واقع یاد گرفته گرگ باشه تا در جان یک سری گرگ‌های دیگه چی شخصیت رفتار عادت‌هایی که قبلاً داشتی چرا قبلا خیلی سختگیرتر بودند در قبال خودم نه دیگه ولی الان کم کردم انگار به نظرت چه چیزی می‌تونه موجب این باشه که به قومیتش افتخار بکنه و بخواد اونو همه جا مطرحش بکنه یه سریا هستن که دوست دارن پنهان بکنن دوست ندارن راجع به قومیتشون صحبت بکنن من می‌خوام بدونم دلیلش چی می‌تونه باشه که بخوام پنهانش بکنم آره از نظر تو می‌خوام بدونم که چی میتونه باعث این باشه که یه فردی بخواد افتخار کنه و یه فردی بخواد تلاش کنه که بگه من دوست نداشته باشه قومیت شما مطرح اون قومیت رو ضعیفه در قبال اون گروه مرجع فارس بودنه ما داشتیم از سعید خودکشی کرد و دلیلش رو قومیتش کرد اگر یادتون باشه توی تویتی که زده بود چون ضعیف‌تر می‌بینم من حالا من خودم با اون آقا زیاد برخوردی نداشتم ولی افرادی که چند روز قبل از خودکشی صحبت می‌کردم قشنگ می‌گفت همه حرفاش همه فکر و ذکرش این تفاوت قومیتی شده بود که ما نمی‌تونیم مثلاً تهرانی‌ها خیلی امکانات بهتری دارند یعنی همشون قومیته رو می‌گفته و بیان می‌کرده و از دیگران نظر می‌خواسته بابت این مسئله به نظرم چون یکم پایین‌تر شاید خودشونو ببینند ولی به نظر من باید هر قومی نه تنها خودش رو نشون بده قومیت رو داری هیچ چیزی کم و کاستی نسبت به فارسی مرجع نداریم باید نشون بدی به نظرم واقعا مسئله رو پنهان کردنش نمیدونم دلیلش چیه از روزهای اول که اومدی تا بتونی اولین دوستاتو پیدا کنی چقدر خیلی زود ارتباط می‌گیرم من دوست صمیمی دارم دوست صمیمی وجود نداره برای من خب با همه ارتباط میگیرم برقراری ارتباطت با دانشجوهای تهرانی چه جوری بود راحت می‌تونم ارتباط بگیرم تفاوتی هم زیاد برام مهم نبود اونا خودشون میخواستن ارتباط رو بگیرن یعنی اینجوری بودن که واسه حداقل ورودی ما اینجوری بود اینجوری بود که بسته بودن یه چهار پنج نفر رفاق مرکز رو راه نمی‌دادند و من چون کلاً دوستشونم نداشتم هیچ وقت سعی نکردم که واردش اون اکیپ بشم ولی اون آدمی که اومده بود خیلی مثلاً تنها بود اگر دو سه نفر با دو سه نفر ارتباط گرفته بود الان با تمام اون بچه‌ها الان ارتباط دارم یعنی داشتم اتفاقاً دیروز به همین فکر می‌کردم نشسته بودم همه اومدن دور من جمع شده بودن این چند نفر داشتن میرفتن فکر کن اون موقع اینجوری نبود خیلی فرق می‌کنه اونا خودشون نخواستن که این ارتباط باشه یعنی من اصلاً برام مهم نیست که تهرانیه یا چه شهرستانی هر قومیتم باشه حتی ترک باهاش ارتباط برقرار می‌کنه تعلقات قومیتی تو تعامل با هم قومیت چی فکر می‌کنی از موقعی که اومدی بیشتر شده یا کمتر میدونی چرا چون ولی خب همین که من دارم میگم متفاوته یاسوج بختیاری خرم آب متفاوتیم اتفاقاً این تفاوت برام جذاب شده می‌پرسم من دائماً در حال پرسشگری‌ام که تفاوت‌های اینا هم اتفاقاً دریافت کنم ببینم چیه چه اشتراکاتی بینمون هست چه تفاوت‌هایی بین ماسک خیلی زیاده به نظر من این بیشتر شده تعاملات یه کوچولو میتونی همون اول اینکه زبانشونه خیلی متفاوتن متفاوته یکی از طرز فکراشون متفاوته فرهنگاشون خیلی فرق میکنه خرم آبادو دارم با یاس اعلام می‌سنجم چون واقعا میفهمم که اول خیلی شبیه به جنوب ما خیلی شبیه به جنوبن ولی اینا اصلاً اینطوری نیست آداب و رسوم آدرس الان ما طایفه توی ملایر نهاوند میدونم اینا دیگه معنی نداره که من از طایفه فلان تیره فلان فلان هست توی بختیاری هنوز طایفه هست چیزی که اصلا به نظر من درست نیست چون خیلی درگیری‌ها ایجاد دیگه چی بگم دیگه بهم بگو که به نظرت برای اون دسته از افرادی که احساس می‌کنند پذیرفته نمیشن به خاطر قومیتشون و یا یه سری رفتارهای اشتباهی که بچه‌های تهران دارند چه اقداماتی اگه توی دانشگاه صورت بگیره شکاف بین بچه‌ها را از بین ببره و همه خیلی راحت بتونن ارتباط برقرار کنند به قومیتشون افتخار کنند با گویش خودشون صحبت کنن و اون احساس اینکه ممکنه من پایین‌تر از اون کسی باشم که تو تهرانه از بین بره چی شبکه ارتباطی بین هم قومیت‌ها فوق‌العاده داستان چون اون طرف احساس تنهایی نمیکنه به راحتی میتونه با زبان خودش با اون طرف ارتباط برقرار بکنه و این دامنه هی گسترده و گسترده مثلاً اون روزی که من ارتباط گرفتم با بچه‌ها شاید ۱۰ نفر بودیم ۱۰ تا بودیم الان شدیم ۲۰ تا ۳۰ تا بعد ما مثلاً اینجوری که الان چون یکم فرهنگی داریم ارتباط یعنی اونا تازه توی گروه خودمون می پذیریم این ارتباط باعث میشه که احساس بهتری احساس کنن اینجا هم یک بخشی از خونه خودشونه و می‌تونن خودشونو بروز بدن به نظر من این مهمه خب بعد اون وقت اون گروه چه جوری به تهرانی ارتباط بگیرن اینجوری اون وقت بچه‌هایی که از جاهای دیگه میان خیلی شخصیه به شخصیت هرکس برمی‌گرده به نظرم تهرانیا غولی نیستن که نتونی باهاشون ارتباط نگیره اونا هم آدمن باید تو خود توانایی ارتباط گیری داشته باشی که بری باهاشون ارتباط بگیری به نظر من در مورد صحبت بکنیم حالا این من توی خوابگاه مثلاً ما بحث میندازیم در مورد قومیت‌های مختلف هر کس در مورد امت خودش مثلاً هم خوبی رو میگه هم بدی میگه در موردش صحبت می‌کنیم تعامل می‌کنیم .

محور ها

سن ترم تحصیلی رشته تحصیلی خانواده شما چند نفر است ؟ چندمین فرزند خانواده هستید؟ میزان تحصیلات پدر میزان تحصیلات مادر شغل پدر شغل مادر

 سوال اول مصاحبه روابط والدین باهم و ارتباط با پدر

 سوال دوم مصاحبه ویژگی یک دانشجوی ایده آل

سوال سوم مصاحبه میزان نزدیکی به یک دانشجوی ایده آل

سوال چهارم مصاحبه دوست دارید خودتان را با کدام ویژگی ها معرفی کنید

 سوال پنجم نقش قومیت در میزان و کیفیت روابط

سوال ششم چه تفاوتی میان دانشجوی تهرانی و غیر تهرانی احساس کردید

 سوال هفتم مشکلات غیر تهرانی بودن

سوال هشتم سانسور لهجه

سوال نهم تغییرات در عادات و شخصیت بعد از ورود به تهران

 سوال دهم آنچه موجب افزایش یا کاهش احساس تعلق قومیتی می شود

 سوال یازدهم زمانی که برای پیدا کردن دوست جدید صرف شد

سوال دوازدهم برقراری ارتباط با دانشجویان تهرانی چگونه بود

 سوال سیزدهم تعلقات قومی و تعامل با هم قومی ها از زمان ورود به دانشگاه بیشتر شده است یا کمتر

سوال چهادهم پیشنهاد برای حل شکاف میان تهرانی ها و غیر بومی ها

 نمره خودپنداره